

ژئواکونومیک

تعامل میان ژئوپولیتیک، اقتصاد و سرمایه گذاری

تالیف:

یواخیم کلننت

ترجمه:

حسین مقدسی

آراد کتاب

سرشناسه	: کلمنت، یواخیم
عنوان و پدیدآور	: ژئواکونومیک، تعامل میان ژئوپولیتیک، اقتصاد و سرمایه‌گذاری / تالیف: یواخیم کلمنت، ترجمه: حسین مقدسی.
مشخصات نشر	: تهران، آراد کتاب،
مشخصات ظاهری	: ۴۰۲ ص،
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۷۶۹-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: اقتصاد - سرمایه‌گذاری
موضوع	: سیاست‌های اقتصادی
شناسه افزوده	: مقدسی، حسین، ۱۳۷۷ - مترجم
رده بندی کنگره	: HG۴۵۲۱
رده بندی دیویی	: ۳۳۲/۶
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۵۹۶۵۷۱

ژئواکونومیک

تعامل میان ژئوپولیتیک، اقتصاد و سرمایه‌گذاری

☒ ترجمه: حسین مقدسی	☒ ناشر: آراد کتاب
☒ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴	☒ تیراژ: ۱۰۰ جلد
☒ چاپ و صحافی: صدف	☒ قیمت: ۱۲۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۷۶۹-۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات آراد کتاب محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مرکز پخش و فروش:

انتشارات آراد کتاب تلفن: ۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۹۳۵۳۰۶۲۴۵۸

خرید آنلاین از سایت: www.aradbook.com

پیشگفتار

در سال 1970، سوزان استرنج (Susan Strange) با به چالش کشیدن دو رشته «روابط بین‌الملل» (IR) و «اقتصاد»، گوی سبقت را ربود. او که در آن زمان پژوهشگر «مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل» بود، بعدها به نخستین (و تا کنون تنها) زنی تبدیل شد که کرسی استادی «مونتاگ برتون» در رشته روابط بین‌الملل در «مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن» (LSE) را تصاحب کرد. مقاله او با عنوان «سیاست بین‌الملل و اقتصاد بین‌الملل: نمونه‌ای از غفلت متقابل» (منتشر شده در نشریه *امور بین‌الملل*، جلد 46، شماره 2، آوریل 1970)، اکنون به عنوان نقطه آغازین ادبیاتی شناخته می‌شود که بعدها تکامل یافت و به زیرشاخه‌ای از روابط بین‌الملل با نام «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» (IPE) تبدیل شد.

با وجود سنت دیرینه‌ی آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، رشته‌ی گسترده‌تر اقتصاد هرگز پیشوند «بین‌الملل» را عنوانی چندان معنادار یا متمایزکننده تلقی نکرده است. البته شکی نیست که اقتصاددانان حوزه‌هایی نظیر تجارت، مبادلات ارزی و نظریه پولی بین‌ارزی را مطالعه می‌کنند، اما این رشته، موضوعات مذکور را زیرشاخه‌هایی از علم اقتصاد تعریف می‌کند، نه مجموعه‌ای که خود تشکیل‌دهنده‌ی حوزه‌ای جدید تحت عنوان «اقتصاد بین‌الملل» باشند.

در سوی دیگر، اگرچه روابط بین‌الملل نیز به همین ترتیب زیرشاخه‌ای از سیاست یا علوم سیاسی محسوب می‌شود، اما هم از نظر موضوع و هم از نظر نام، به وضوح از رشته مادر خود متمایز شده است. روابط بین‌الملل که عمدتاً مطالعه‌ی روابط میان دولت‌های مستقل (Sovereign states) است، تاریخچه‌ای طولانی و غنی دارد؛ تاریخچه‌ای که همانند تقریباً تمام برنامه‌های درسی دوره کارشناسی این رشته، با «گفتگوی ملوس» (Melian Dialogue) از کتاب «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی» اثر توسیدید آغاز می‌شود. و از آنجا که وضعیت نزاع و جنگ میان دولت‌های مستقل، از نظر تاریخی رایج‌ترین شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل بوده است، جای تعجب نیست که بیشتر پژوهش‌های این حوزه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نزاع و جنگ مربوط می‌شوند.

پیشنهاد استرنج در سال 1970 این بود که پژوهش‌های روابط بین‌الملل باید توجه بیشتری به جهان اقتصادی به‌هم‌پیوسته‌ای معطوف کنند که حتی در آن زمان نیز رو به رشد بود. و اگرچه درخواست او احتمالاً خطاب به هر دو جامعه روابط بین‌الملل و اقتصاددانان بود، اما در نهایت تنها در میان اهالی روابط بین‌الملل مورد استقبال و توجه جدی قرار گرفت. دلایل متعددی برای این نتیجه وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، اثبات‌گرایی (Positivism) رایج در آن زمان در رشته اقتصاد بود؛ یعنی رویکردی که به دنبال تعیین «چگونگی کارکرد چیزها» است، نه اینکه «چگونه باید کار کنند».

با این حال، گروهی نوظهور از پژوهشگران اقتصاد سیاسی بین‌الملل، از جمله رابرت کاکس و پیتیر کاتزنشتاین، به زودی شروع به تولید آثاری پیشگامانه کردند که در توصیف استادانه رابرت گیلیپین از این حوزه در کتاب «اقتصاد سیاسی روابط بین‌الملل» (انتشارات دانشگاه پرینستون، 1987) به اوج خود رسید.

یواخیم کلمنت در نیمه نخست کتاب حاضر، مشارکت ارزشمند دیگری در ادبیات «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» (IPE) رقم می‌زند. اما او این کار را از دیدگاه متمایز یک سرمایه‌گذار انجام می‌دهد؛ یعنی فردی که با انتظار دریافت پاداش در ازای پذیرش ریسک، در بازارهای سرمایه ریسک می‌کند. این زاویه دید، کتاب کلمنت را از چند جهت مهم از سایر آثار علمی حوزه IPE متمایز می‌سازد.

نخست اینکه، اگرچه او تسلطی قوی بر ادبیات این حوزه دارد، اما علاقه‌ای به درگیر شدن در مباحث نظری پیرامون سازوکارهای آکادمیک این رشته ندارد. علاوه بر این، با وجود پوشش بسیاری از همان مسائل مفهومی که سایر نویسندگان به آن‌ها پرداخته‌اند، استدلال‌های او همواره این مسائل را به نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر آشکار شدن اطلاعات در قیمت‌های بازار بازمی‌گرداند.

دوم اینکه، کلمنت چه در بحث جنگ، چه منابع طبیعی و چه جهانی‌سازی، از توصیفات طولانی پدیده‌ها صرف‌نظر کرده و مستقیماً به سراغ شیوه‌ای می‌رود که این رویدادها بر بازارها و قیمت‌های بازار اثر می‌گذارد. در نهایت، کلمنت مباحث مفهومی نیمه اول کتاب را در نیمه دوم، برای چالش‌های عملی و واقعی جهان به کار می‌بندد. این چالش‌ها شامل رقابت آمریکا و چین، انرژی و منابع طبیعی، داده‌ها و امنیت سایبری، و تغییرات اقلیمی است. با این حال، پیش از بررسی این چالش‌ها، کلمنت فصل قدرتمندی را درباره پیش‌بینی ارائه می‌دهد (که در آن به وام‌داری قابل توجه خود به فیلیپ تتلاک اذعان دارد) و در کنار آن، منطقی متقاعدکننده برای انتخاب عنوان «ژئواکونومیک» (جغرافیای اقتصادی) به جای «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» برای کتابش مطرح می‌کند.

مترادف نزدیک، اما کمی محدودتر برای روابط بین‌الملل، واژه «ژئوپلیتیک» است؛ کلمه‌ای که در سال 1916 توسط رودولف کیلن، دانشمند علوم سیاسی سوئدی، ابداع شد. او هم‌عصر چندین دانشمند دیگر حوزه روابط بین‌الملل با گرایش جغرافیایی بود که بعدها ادبیات ژئوپلیتیک را تعریف کردند. از جمله این افراد می‌توان به آلفرد تایر ماهان (مورخ نیروی دریایی)، هالفورد مکیندر (جغرافیدان) و بعدها نیکلاس اسپایکمن (دانشمند علوم سیاسی) اشاره کرد. هر یک از آن‌ها درباره ماهیت جبرگرایانه‌ی جغرافیا در آرایش سیاست بین‌الملل نوشتند. ماهان تصمیم گرفت بر نقاط گلوگاهی دریاهای آزاد تمرکز کند (تنگه جبل الطارق، تنگه مالاکا، تنگه هرمز، باب‌المندب) و استدلال کرد که هر کس این گلوگاه‌ها را کنترل کند، خطوط کشتیرانی را در اختیار خواهد داشت. برای مکیندر، این «هارتلند» (Heartland) یا قلب خشکی بود که تعیین‌کننده محسوب می‌شد؛ منطق‌های که او آن را اروپای شرقی شناسایی کرد. هر کس هارتلند را کنترل کند، اوراسیا را کنترل می‌کند، که او آن را «جزیره جهانی» می‌نامید. اسپایکمن نیز کنترل «ریملند» (Rimland) یا مناطق ساحلی اوراسیا را تعیین‌کننده می‌دانست.

بحث‌ها پیرامون این نظریه‌های قدرتمند و کاملاً متضاد، برای مدتی بسیار طولانی بر گفتمان‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک سایه افکنده است.

کلمنت رویکرد متفاوتی اتخاذ می‌کند و از جبر جغرافیایی پیشینیان خود دوری می‌جوید. او با انتخاب عنوان «ژئواکونومیک» برای این کتاب، بر تغییری در تفکر تأکید می‌ورزد که نخستین بار در سال 1990 توسط ادوارد لوتواک (Edward Luttwak) در مقاله‌ای با عنوان «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومیک: منطق نزاع، دستور زبان تجارت» (نشانی اینترنتی، شماره 20، تابستان 1990) بیان شد.

لوتواک پژوهشگری پرکار است که در کنار آثار بسیار دیگر، سه کتاب مجزا درباره استراتژی کلان امپراتوری روم، امپراتوری شوروی و امپراتوری بیزانس نگاشته است. او نیز مانند کلمنت، ناظری تیزبین در حوزه ژئوپلیتیک است. برای هر دو نفر لوتواک و کلمنت، اهمیت سرفصل ژئواکونومیک در زیرعنوان درخشان مقاله لوتواک نهفته است: «منطق نزاع که با دستور زبان تجارت اجرا می‌شود.»

تمرکز کلمنت بر «منطق نزاع»، شاید مهم‌ترین بخش مشارکت او در ادبیات ژئوپلیتیک و نیمه دوم کتاب باشد. او در تمام چالش‌های خاصی که به آن‌ها می‌پردازد — رقابت آمریکا و چین، انرژی و منابع طبیعی، داده‌ها و امنیت سایبری، و تغییرات اقلیمی — مسائل را در قالب یک نزاع ذاتی ترسیم می‌کند؛ راه‌های احتمالی که این نزاع ممکن است از طریق آن‌ها حل و فصل شود؛ اثر این راه‌حل‌ها بر متغیرهای اقتصادی؛ و از همه مهم‌تر، پیامدهای بالقوه تغییرات این متغیرهای اقتصادی بر بازارها و قیمت‌های بازار.

این رویکرد متمرکز نسبت به چهار چالش محوری بین‌المللی در نیمه دوم کتاب، رویکردی اصیل، تازه و نافذ است. استدلال‌های کلمنت بُعد جدیدی به بحث‌های معاصر می‌افزاید و برای پژوهشگران هر دو حوزه روابط بین‌الملل و اقتصاد، و همچنین برای مدیران سرمایه‌گذاری، توجه‌برانگیز و گاه میخکوب‌کننده خواهد بود. به عقیده من، دلیل اصلی اصالت او این است که او یک «فعال حرفه‌ای» است که اثری «علمی» خلق کرده است، نه محققى که پس از یک دوره کوتاه فعالیت اجرایی، درباره عمل می‌نویسد.

پژوهشگران متون بسیار قدرتمندی درباره درس‌های تجربیات عملی خود نوشته‌اند؛ برای نمونه کتاب «دیپلماسی» اثر هنری کیسینجر (سیمون و شوستر، 1994)، «صفحه شطرنج بزرگ» اثر زیگنیو برژینسکی (بیسک بوکس، 1997)، یا «جنگجویان مالی جهانی» اثر جان تیلور (دابلیو، دابلیو، نورتون، 2008). این کتاب‌های عالی، بینش و دیدگاه تاریخی ارائه می‌دهند، اما هرگز آن ترجمه دقیق، تأثیرگذار و عملی «منطق نزاع» به «منطق بازار» را که کلمنت در اینجا بیان می‌کند، در خود ندارند.

در سال 2004، ساموئل هانتینگتون، دانشمند بزرگ علوم سیاسی، اصطلاح «انسان داووسی» (Davos Man) را ابداع کرد. این اصطلاح قرار بود تحقیرآمیز باشد و فردی را توصیف می‌کرد که از نظر ژئوپلیتیکی چنان ساده‌لوح و غرق در پیشرفت و موفقیت خود است که حتی ملیت خویش را فراموش کرده، چرا که آن را تنها مانعی برای موفقیت‌های بیشتر خود می‌داند. عنوان مقاله هانتینگتون «نفوس مرده: ملیت‌زدایی از نخبگان آمریکایی» (نشنال اینترست، بهار 2004) بود. این ساده‌لوحی امروزه در تمایل غالباً ابراز شده برای تبدیل شدن به یک «شهروند جهانی» بازتاب می‌یابد؛ عبارتی که معنای آن بسیار مبهم است.

کتاب «ژئواکونومیک: تعامل میان ژئوپلیتیک، اقتصاد و سرمایه‌گذاری» اثر یواخیم کلمنت، پادزهری کامل برای احیای آن «نفوس مرده» است و باید خواندن آن برای تمام شرکت‌کنندگان آینده مجمع داووس اجباری شود. بنیاد پژوهشی مؤسسه CFA با کمال مسرت این اثر را تقدیم می‌کند.

رابرت ای. کرنان سوم (Robert E. Kiernan III)

مدیرعامل شرکت مدیریت سبد پیشرفته (APM)

عضو ارشد مدرسه حکمرانی کندی در دانشگاه هاروارد

برانکسویل، نیویورک

مارس 2021

مقدمه: ژئوپلیتیک برای سرمایه‌گذاران

«ژئوپلیتیک در نهایت، مطالعه‌ی توازن میان گزینه‌ها و محدودیت‌هاست. جغرافیای یک کشور تا حد زیادی تعیین می‌کند که آن کشور با چه آسیب‌پذیری‌هایی روبه‌روست و چه ابزارهایی در اختیار دارد.»
— پیتر زیهان، کتاب «بر قدرت غایب» (The Absent Superpower)

روایت‌ها یا قصه‌های پریان؟

در 7 ژانویه 2017، رابرت شیلر سخنرانی ریاست نشست سالانه «انجمن اقتصادی آمریکا» را ایراد کرد. موضوعی که او برگزید، غیرمعمول بود. او سخنرانی خود را «اقتصاد روایی» (Narrative Economics) نامید و درباره این واقعیت بحث کرد که علم اقتصاد (و به تبع آن، امور مالی) بیش از حد بر روش‌های کمی تمرکز کرده و در این میان، نکته مهمی را به فراموشی سپرده است: ما انسان‌ها به گونه‌ای تکامل یافته‌ایم که قصه‌گو باشیم. داستان‌هایی که برای یکدیگر تعریف می‌کنیم، ما را در قالب خانواده‌ها، جوامع، ملت‌ها و مذاهب به هم پیوند می‌دهند. این روایت‌ها هستند که تعریف می‌کنند مادر بودن، آلمانی بودن یا یهودی بودن چه معنایی دارد.

و از آنجا که ما قصه‌گویی ذاتی هستیم، در اقتصاد و امور مالی نیز داستان‌سرایی می‌کنیم. با این حال، در اقتصاد و مالی، ما آموزش دیده‌ایم که داستان‌ها و روایت‌ها را نادیده بگیریم و در عوض به واقعیت‌های صلب و داده‌ها بنگریم. از یک سو، برخی سرمایه‌گذاران کمی‌گرا (کوانت) ممکن است روایت‌ها را حتی «قصه‌های پریان» قلمداد کنند؛ زیرا اگرچه این داستان‌ها ممکن است حاوی ذره‌ای از حقیقت باشند، اما عمدتاً به عنوان توجیهاتی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند که از پس ریاضیات لازم برنمی‌آیند. چنین منتقدانی اغلب ادعا می‌کنند که روایت‌های اقتصادی مخصوص افراد غیرمتخصص است و موضوع مناسبی برای تحلیل اقتصادی نیست.

از سوی دیگر، شیلر ابراز تأسف می‌کند که اگر داستان‌ها و روایت‌ها را نادیده بگیریم، ممکن است از یک محرک حیاتی بازارهای مالی غافل شویم؛ زیرا به قول ویلیام بروس کامرون، جامعه‌شناس: «هر آنچه قابل شمارش است، لزوماً به شمار نمی‌آید (مهم نیست) و هر آنچه به شمار می‌آید (مهم است)، لزوماً قابل شمارش نیست» (1963، ص 13).

خوشبختانه، به لطف پیشرفت‌های فناورانه، مانند نرم‌افزارهای تحلیل متن، ما می‌توانیم به‌طور فزاینده‌ای شکاف میان چیزهایی که قابل شمارش‌اند و چیزهایی که اهمیت دارند را پر کنیم.

نمودار 1 نتایج یک جستجوی «گوگل ترندز» (Google Trends) از کلمات و عبارات (یا روایت‌های) مختلف را در سایت‌های مالی اینترنت نشان می‌دهد. سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم تحت سیطره موضوع «جهانی‌سازی» بود. چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی در حال ظهور بود و سایر بازارهای